

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۰

آیه ۱۳۲-۱۳۳

آیه و ترجمه

و قالوا مهما تاتنا به من ءایة لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين ۱۳۲
 فارسلنا عليهم الطوفان و الجراد و القمل و الضفادع و الدم ءایت مفصلت
 فاستکبروا و كانوا قوما مجرمين ۱۳۳

ترجمه :

۱۳۲ - و گفتند هر زمان آیتی برای ما بیاوری که سحرمان کنی ما به توایمان
 نمی آوریم!

۱۳۳ - سپس (بلاها را پشت سرهم بر آنها نازل کردیم) طوفان و ملخ و آفت
 گیاهی و قورباغه ها و خون را که نشانه های از هم جدا بودند بر آنها فرستادیم
 (ولی باز بیدار نشدند) و تکبر ورزیدند و جمعیت گنهکاری بودند.

تفسیر :

بلاهای پیدری و رنگارنگ

در این آیات، اشاره به مرحله دیگری از درسهای بیدار کننده های که خدابه قوم
 فرعون داد، شده است هنگامی که مرحله اول یعنی خشکسالی و زیانهای مالی
 در آنها، اثر بیدار کننده نگذاشت، نوبت مرحله دوم که مجازاتهای سخت تر و
 شدیدتر بود فرا رسید، و خداوند آنها را به بلاهای پیدری و کوبنده که به طور
 متناوب نازل می شد، گرفتار ساخت، اما متأسفانه باز هم بیدار نشدند!

در نخستین آیه مورد بحث به عنوان مقدمه ای برای نزول این بلاهای می گوید:
 آنها همچنان در انکار دعوت موسی (علیه السلام)، مقاومت به خرج دادند، و
 «گفتند هر گاه آیتی برای ما بیاوری که بخواهی ما را با آن سحر کنی، ما به
 تو ایمان نخواهیم آورد» (و قالوا مهما تاتنا به من آية لتسحرنا بها فما نحن لك
 بمؤمنين)

تعبیر به آیه، شاید به عنوان تمسخر بوده، زیرا موسی (علیه السلام)، معجزات
 خود را به عنوان آیات و نشانه های خدا معرفی می نمود، ولی آنها به عنوان
 سحر، آن را تفسیر می کردند.

لحن آیات و قرائن چنین نشان می‌دهد که دستگاه تبلیغاتی فرعون که مسلماً با تناسب آن زمان، مجهزترین دستگاه تبلیغاتی بود، و نظام حاکم مصر، کاملاً از آن بهره‌برداری می‌کرد، در همه جا بسیج شده بود، که تهمت سحر را به عنوان یک شعار عمومی بر ضد موسی (علیه السلام) پخش کند، زیرا هیچ وصله‌های مناسب‌تر از آن برای معجزات موسی (علیه السلام) نیافته بودند، تا بدینوسیله جلو نفوذ او را در قلوب مردم بگیرند.

ولی از آنجا که خداوند بدون اتمام حجت کافی، هیچ جمعیتی را کیفر نمی‌دهد در آیه بعد می‌فرماید که ما چندین بلا بر آنها نازل کردیم شاید بیدار شوند. نخست طوفان را بر آنها فرستادیم (فارسلنا علیهم الطوفان)

«طوفان» از ماده «طوف» (بر وزن خوف) به معنی موجود گردنده و طواف کننده است، سپس به هر حادثه‌ای که انسان را احاطه کند، طوفان گفته شده، ولی در لغت عرب، بیشتر به سیلابها و امواج گردنده و کوبنده‌های گفته می‌شود که خانه‌ها را ویران می‌کند و درختان را از ریشه برمی‌کند (اگر چه در زبان فارسی امروز، طوفان بیشتر به بادهای شدید و کوبنده اطلاق می‌گردد)

سپس ملخ را بر زراعتها و درختان آنها، مسلط ساخت (و الجراد) در روایات وارد شده است آنچنان ملخ به جان درختان و زراعتها افتاد که همه را از شاخ و برگ خالی کرد، حتی بدن آنها را نیز آزار می‌داد آنچنان که داد و فریاد آنها بلند شده بود.

هر بار که بلایی فرا می‌رسید، دست به دامن موسی (علیه السلام) می‌زدند، تا از خدا بخواهد رفع بلا کند، بعد از طوفان و ملخ خوارگی نیز همین تقاضا را کردند، و موسی (علیه السلام) پذیرفت و بلا برطرف شد، ولی باز دست از لجاجت خویش برنداشتند.

بار سوم «قمل» را بر آنها مسلط ساخت (و القمل). در اینکه منظور از قمل چیست؟ میان مفسران گفتگو است، ولی ظاهر این

است که یکنوع آفت نباتی بوده که به غلات آنها افتاد، و همه را فاسد کرد. هنگامی که امواج این بلا فرو نشست و باز ایمان نیاوردند، بار دیگر خداوند،

نسل قورباغه را آنچنان افزایش داد که به صورت یک بلا زندگی آنها را فرا گرفت (و الضفادع)

همه جا قورباغه‌های بزرگ و کوچک حتی در خانه‌ها و اطاقها و سفره‌ها و ظروف غذا مزاحم آنان بودند، آنچنان که دنیا بر آنان تنگ شد ولی باز در برابر حق زانو نزدند و تسلیم نشدند.

در این هنگام خداوند خون را بر آنها مسلط ساخت (و الدم) بعضی گفته‌اند بیماری رعاف (خون دماغ شدن) به صورت یک بیماری عمومی درآمد و همگی گرفتار آن شدند، ولی بیشتر روات و مفسران گفته‌اند رودخانه عظیم نیل به رنگ خون درآمد، آنچنان که برای هیچ مصرفی قابل استفاده نبود! و در پایان می‌فرماید: «این آیات و معجزات آشکار و نشانه‌های حقانیت موسی را به آنها نشان دادیم، اما آنها در برابر آن تکبر ورزیدند و از قبول حق سرباز زدند و جمعیت مجرم و گنه‌کاری بودند» (آیات مفصلات فاستکبروا و کانوا قوما مجرمین)

در بعضی از روایات می‌خوانیم که هر کدام از این بلاها، در یکسال واقع می‌شد یعنی یکسال طوفان و سیلاب، سال دیگر ملخ‌خوارگی، و سال بعد آفات نباتی و همچنین، ولی در بعضی دیگر از روایات می‌خوانیم که میان هر یک از اینها با دیگری یک ماه بیشتر فاصله نبود، ولی در هر حال شک نیست که در فواصل مختلف و جدا از

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۳

یکدیگر (چنانکه قرآن می‌گوید مفصلات) صورت گرفت، تا مهلت کافی برای تفکر و تنبه و بیداری داشته باشند.

قابل توجه اینکه در روایات می‌خوانیم که این بلاها تنها دامن فرعونیان را می‌گرفت و بنی اسرائیل از آن برکنار بودند، شک نیست که این یکنوع اعجاز بوده، اما قسمتی از آن را می‌توان با توجه به نکته زیر توجیه علمی نمود، زیرا می‌دانیم در کشوری با مشخصات مصر، بهترین نقطه زیبا و مورد توجه همان دو طرف شط عظیم نیل بوده است که در اختیار فرعونیان و قبطیها قرار داشت، قصرهای زیبا و خانه‌های مجلل و باغهای خرم و مزارع آباد را در همین منطقه می‌ساختند و طبعا به بنی اسرائیل که بردگان آنها بودند از زمینهای دور افتاده و بیابانها و نقاط کم‌آب، سهمی می‌رسید.

طبیعی است هنگامی که طوفان و سیلاب برخاست، از همه نزدیکتر به کام خطر دو طرف شط عظیم نیل بوده و همچنین قورباغه‌ها از شط برخاستند و اثر خونابه شدن شط قبل از همه در خانه‌های فرعونیان نمایان شد، و اما ملخ و آفات نباتی نیز در درجه اول متوجه نقاط سرسبزتر و پربرکتر می‌شود. آنچه در آیات فوق گفته شد، در تورات کنونی، نیز آمده است، ولی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با محتویات قرآن دارد (به سفر خروج فصل هفتم تا دهم تورات مراجعه کنید).